

تبلیغ و تزیین

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول - شماره دوم

بهار و تابستان ۱۴۰۲

الگوی رفتاری امام حسین علیه السلام با دوستان و دشمنان

حجت الاسلام والمسلمین حسن شیرزاد کمانگر*

«يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»^۱

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی و نیازمند به روابط با دیگران است و هر انسانی بر اساس آداب، رسوم، اعتقادات و باورهای خودش دارای روابط خاصی است؛ ولی شخص مسلمان چون معتقد است اسلام دینی جامع، جاودانه و برای زندگی دارای برنامه است، باید روابط خودش را بر اساس اسلام تنظیم کند. داشتن الگویی از انسان کامل، می تواند زندگی سعادت بخش و مورد رضایت خداوند را برای انسان فراهم کند. امام حسین علیه السلام در جایگاه انسان کاملی است که قرآن از ایشان به پاکان از بدی ها،^۲ نیکوکاران،^۳ اولی الامر،^۴ راست گویان^۵ و فرزند

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. نحل: ۸۹.

۲. احزاب: ۳۳؛ مراد از آیه تطهیر پیامبر اکرم، فاطمه، علی و حسن و حسین (صلوات الله علیهم) هستند (علی بن

ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۳؛ فرات بن ابراهیم الکوفی، تفسیر الکوفی، ج ۱، ص ۳۳۱ - ۳۴۲)

۳. انسان: ۵؛ مراد از «الأبرار» حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است (فضل بن حسن طبرسی، مجمع

البیان، ج ۱۰، ص ۶۱۶؛ سلیمان بن احمد طبرانی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۴۰۴).

۴. نساء: ۵۹ و ۸۳؛ آیه «أولی الأمر» درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص

۱۴۲)، حسن و حسین و خاص برای آنهاست (فرات بن ابراهیم الکوفی، تفسیر الکوفی، ص ۱۰۸ - ۱۱۰؛ محمد

بن مسعود سمرقندی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۷).

۵. توبه: ۱۱۹؛ مراد از «صادقین» بر علی و آل محمد، ائمه (صلوات الله علیهم) منطبق شده است (علی بن ابراهیم

قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۷؛ عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۸۰ - ۲۸۲).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یاد کرده است. ایشان دارای رفتار و روابط گوناگون با دوستان و دشمنان خود در فرازونشیب زندگی است که می‌توان با نگاه به این آینه تمام‌نمای انسان کامل و ملاحظه رفتارها و گفتارهای ایشان، الگو گرفت و چگونگی مسیر صحیح را در رفتار با دوستان و دشمنان شناخت و وظایف اجتماعی را به‌درستی انجام داد. این نوشتار در صدد تبیین و بیان همین اهداف است.

ضرورت الگو

الگو در لغت فارسی به معنای سرمشق، شخص یا چیزی که معیار و نمونه برای دیگران یا دیگر چیزهاست.^۲ در لغت عربی به معنای «اسوه» و «قدوه» آمده است.^۳ داشتن الگو در همه زمینه‌ها، کمک بزرگی به ارتقای کمی و کیفی زندگی در رسیدن به اهداف مورد نظر همراه با آرامش و کم‌ترین آسیب‌ها و دغدغه‌ها را فراهم می‌کند. انسانی که تمام سرمایه‌اش عمر محدود او در دنیا است؛ ولی ابدیت را در پیش دارد و هرگونه اقدام و عملکرد او واکنش‌هایی در دنیا و آخرت خواهد داشت، ضرورت دارد الگویی مناسب برای خود داشته باشد؛ از این رو قرآن کتاب زندگی انسان‌ها به اهمیت آن اشاره کرده است و به «اسوه» و «قدوه» تعبیر نموده است.^۴

همچنین در روایات داشتن الگو در زندگی مورد اهتمام قرار گرفته است؛ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خطاب به علی عَلِيٌّ فرمودند: «و لک بهارون أسوه إذ استضعفه قومه و کادو یقتلونه؛^۵ هارون [برادر موسی] الگوی توست که قومش فرمانش را نپذیرفتند و حتی نزدیک بود او را بکشند». امام علی عَلِيٌّ پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را الگوی خود می‌دانست: «ان لی بک اسوه». ^۶ نیز از دیگران می‌خواهد آن حضرت را که پاک و پاکیزه است، الگوی خود قرار دهند.^۷

۱. آل عمران: ۶۱؛ مراد از «ابناتنا» امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام می‌باشند (محمد بن مسعود سمرقندی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۷؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۴).
۲. علی اکبر دهنخدا، لغت‌نامه، ج ۳، ص ۳۲۴۸ و ۵۴۲.
۳. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۱۹۵ و ج ۷، ص ۳۳۳.
۴. ممتحنه: ۴، ۶؛ احزاب: ۲۱؛ سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۲۸۹؛ محمود زمحشری، الکشاف، ج ۳، ص ۵۳۱.
۵. سید هاشم بن سلیمان بحرانی، الانصاف فی النص علی الائمه، ص ۲۷۲.
۶. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ص ۸۰؛ حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۲، ص ۳۹۶.
۷. سید الشریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره امام حسین علیه السلام فرمودند: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى أَحَبِّ أَهْلِ الْأَرْضِ إِلَيَّ أَهْلِ السَّمَاءِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى الْحُسَيْنِ؛ کسی که دوست دارد به محبوب‌ترین اهل زمین نزد آسمانیان نگاه کند، به حسین نظر نماید». ^۱ از این رو امام حسین علیه السلام در جایگاه انسانی کامل و محبوب‌ترین شخصیت‌ها که مشهور به وفاداری، ^۲ تکریم ضعیفان، صله ارحام، رسیدگی به نیازمندان و مهربانی با یتیمان است، ^۳ الگویی مناسب برای ما در هر برهه‌ای از زمان خواهد بود. فرمانده عشاق، دل آگاه حسین است بیراهه مرو، ساده‌ترین راه حسین است از مردم گمراه جهان راه مجوید نزدیک‌ترین راه به الله حسین است

الف) رفتار با دوستان

ملاک در دوستی، درستی اعتقادات: «يا وَيَلَعْتِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فِئْلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ اضلنني عن الذکر بعد اذ ائني...» ^۴ و رعایت تقواست: «الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ». ^۵ امام حسین علیه السلام در رابطه با دوستان و مسلمانان با همه نوع آنان از لحاظ اعتقادی و طرز تفکرها، دارای رفتارهایی آراسته با اخلاق الهی و نبوی بوده است و گاهی به فراخور روحيات و نیازهای آنان هم رفتار متفاوتی داشته است. در ادامه به نمونه‌های مهمی از این رفتارها اشاره می‌شود.

۱. خدمت‌رسانی به مردم

دانی که چرا خدا به تو داده دو دست
من معتقدم که اندر آن سری است
یک دست به کار خویشتن برداری
با دست دگر ز دیگران گیری دست

امام حسین علیه السلام در خدمت‌رسانی به مردم، خدماتی کریمانه در عرصه‌های گوناگون داشته‌اند که به ما می‌آموزد خدمت‌رسانی به مردم را سرلوحه زندگی خود قرار دهیم. ایشان به عیادت اسامه بن زید می‌رود و او را نگران می‌بیند؛ حضرت می‌پرسد برادرم چرا نگرانی؟ پاسخ می‌دهد شصت هزار درهم بدهکارم. امام می‌فرماید بدهی شما بر عهده من. اسامه می‌گوید می‌ترسم بمیرم. امام فرمودند نمی‌میری تا من قرض‌هایت را پرداخت نمایم. حضرت همه قرض‌های

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۷۳.

۲. عباس محمود عقاد، ابوالشهداء الحسين بن علي علیه السلام، ص ۱۴۲.

۳. عزیزالله عطاردی قوجانی، مسند الإمام الشهيد أبي عبد الله الحسين بن علي علیه السلام، ص ۱۴۲.

۴. فرقان: ۲۸ و ۲۹.

۵. زخرف: ۶۷.

اسامه را پیش از مرگش پرداخت نمود.^۱

زمانی که فرزاد توسط مروان از مدینه تبعید شد؛ پیش از خروج از مدینه، خدمت امام حسین علیه السلام می‌رسد. حضرت چهارصد دینار به ایشان هدیه داد؛ برخی اعتراض کردند که چرا به این شاعر فاسق چنین کمکی کردی؟ حضرت در پاسخ فرمودند: بهترین مال و سرمایه تو در این است که به وسیله آن آبرویت را حفظ نمایی.^۲

منظور امام این نیست که آبروی من در خطر قرار گرفته است و با کمک مالی آبرویم را حفظ می‌کنم، بلکه فلسفه مال و سرمایه، هزینه آن در مسیر حفظ آبرو هاست؛ چراکه مال دارای ارزش‌گذاری، کم و زیاد شدن است و چه بسا از بین رفتنی خواهد بود؛ ولی جبران‌شدنی است؛ اما آبرو چنین نیست.

۲. اهتمام به حق الناس

حق مردم اعم از مسائل مادی و معنوی در آموزه‌های اسلام اهمیت بسیاری دارد؛ به گونه‌ای اگر کسی عازم جهاد در راه خدا و مبارزه با دشمنان باشد و اگر هم شهید شود، باید بازماندگان وی پرداخت نمایند. امام حسین علیه السلام الگوی مناسبی در رعایت حق الناس و بیت‌المال هستند. موسی بن عمیر از پدر خود نقل می‌کند که گفت امام حسین علیه السلام به من فرمود: به اصحاب من بگو و اعلان کن کسی که بدهی دارد، نباید با من کشته شود؛ این مطلب را به همه پیروانم برسانید که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «هر که با بدهی بمیرد، در قیامت آن را از حسنات او برمی‌دارند».^۳

۳. دلداری دادن

دلداری دادن به دوستانی که دچار گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها شده‌اند موجب تسلی و آرامش آنان خواهد شد. امام حسین علیه السلام الگوی مناسبی در دلداری‌هاست. حضرت در سن سی‌سالگی می‌بیند که ابوذر از سوی معاویه از شام اخراج شد و به مدینه آمد و از سوی عثمان هم از آنجا خارج و تبعید شد. امام در بدرقه او شرکت کرد و می‌فرماید: «ای عمو، خداوند قدرت دارد بر آنچه تو می‌بینی و در آن قرار گرفتی را تغییر دهد.... دین‌داری تو سبب مانع‌شدن دنیاطلبان در

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۶۵.

۲. همان.

۳. جمعی از نویسندگان، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ص ۴۶۸.

منع کردن تو [حقوق] گردید ... من از خداوند صبر و نصرت را خواهانم. به خداوند از بی تابی و حرص و پستی نفس پناه ببر، به درستی که صبر از دین و کرامت است و حرص ورزی، رزقی را جلو و بی تابی، اجل و مرگ را تأخیر نمی اندازد»^۱.

همچنین امام حسین علیه السلام در شب عاشورا به خواهرش زینب دلداری می دهد و سفارش به صبر و خویشن داری از آزار رساندن به خود می کند.^۲

۴. غیرت ناموسی

خانواده از زیربناهای مهم تشکیل جامعه مطلوب و مدینه فاضله است؛ اگر از حریم آن به درستی مراقبت شود، می توان به آرامش خانواده و جامعه در برابر اضطرابها و تبلیغات انحرافی امیدوار بود. امام حسین علیه السلام که مظهر غیرت الله است، در برابر خانواده و ناموس خود در بدترین وضعیت جسمانی، از امنیت و ضایع شدن حقوق آنان دفاع می کند و خطاب به دشمنان می فرماید: «وَيْلَكُمْ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَجْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ هَذِهِ وَ اذْجِعُوا إِلَيَّ أَحْسَابَكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ عَرَبًا كَمَا تَزْعُمُونَ ...»^۳؛ «ای بر شما باد ای پیروان آل ابی سفیان، اگر برای شما دینی نیست و رویه شما این است که از معاد نیز نمی ترسید؛ پس در زندگانی دنیای خود از آزادگان باشید! و اگر همچنان که می پندارید، از طایفه عرب هستید، به حساب های خود برگردید [و از اعمال ناجوانمردانه احتراز کنید]». شمر حضرت را صدا زد که چه می گویی ای پسر فاطمه؟ حضرت فرمود: «من با شما در جنگ هستم بر زن ها مؤاخذه ای نیست و تا وقتی که زنده ام، این لشکریان یاغی، نادان و طغیان گران خود را از دستبرد به حرم من بازدارید و حرم مرا رها کنید».

۵. آزادگذاری اصحاب

برخی از افراد به دلیل آسوده طلبی و درامان بودن از خطرها و ضررها، وقتی با رأی مردم به قدرت می رسند و جایگاه اجتماعی پیدا می کنند، قدردان مردم نیستند و از آنان گروگشی می کنند؛ اما امام حسین علیه السلام روز تاسوعا نزدیک غروب آفتاب اصحاب خود را جمع کردند و بعد از حمد و سپاس الهی فرمودند:

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۵۳-۲۵۴.

۲. محمد بن محمد مفید، الارشاد، ص ۲۳۲.

۳. علی بن موسی بن طاووس، اللهوف، ص ۱۲۰.

به درستی که من اصحابی باوفاتر و بهتر از اصحاب خودم و نه اهل بیته نیکوکارتر و با صله و پیوندتر از اهل بیت خودم سراغ ندارم؛ پس خداوند شما را از طرف من به بهترین جزایی پاداش دهد. آگاه باشید که من در رفتن به شما اذن و اجازه دادم؛ پس همگی آزاد هستند؛ پس بروید و مسئولیتی در برابر من ندارید. اکنون شب فرارسیده و همه شما را دربر گرفته است و آن را چون شترراهوری بگیریید و بروید.^۱

ب) رفتار با دشمنان

باید ملاک متناسب با دشمنان داشت تا رفتار مناسب با او انجام شود؛ گرچه کفر و شرک از ملاک‌های اصلی دشمنی و سبب برشمردن دشمنان هستند؛ ولی برخی افراد با ادعای اسلام و ایمان به تعالیم اسلامی و تظاهر به پذیرش آنها، به دلیل منافع شخصی و برای رسیدن به نقشه‌های شیطانی، سبب دشمنی قرار می‌گیرند و در زمره دشمنان خواهند بود. هرچند امروزه با هر دو گروه از دشمنان خارجی و داخلی مواجه هستیم؛ ولی بر اساس منافع، عزت، حکمت و مصلحت عمل می‌کنیم. رهبر معظم انقلاب درباره ملاک دشمنی و دشمنان فرمودند: «هر کس فضای تهمت‌زنی در داخل کشور و جنگ روانی علیه نظام را تقویت و تشدید کند، مزدور امریکاست».^۲ و «ما آن کسانی را غریبه می‌دانیم ... که برای دشمن کار می‌کنند».^۳

در ادامه این نوشتار به برخی از جنبه‌های رفتاری امام حسین علیه السلام در برخورد با دشمنان اشاره خواهیم کرد.

۱. اتمام حجت

اتمام حجت در رفتار با دشمنان برای جلوگیری از بروز جنگ و آثار زیان‌بار آن از مسائل مهم است. امام حسین علیه السلام در جایگاه انسان کامل و خیرخواه امت، از هرگونه تلاشی برای اتمام حجت با دشمنان دریغ نمی‌ورزد تا با روشن کردن افراد و افکار عمومی، خیرخواهی خود را برای هدایت آنان نشان دهد و از اظهار هرگونه عذر آنان جلوگیری کند.

امام حسین علیه السلام خطاب به کوفیان که از سپاهیان عمر سعد بودند، در یکی از سخنرانی‌های خود پیش از آغاز نبرد می‌فرماید: «ای مردم بگوئید من چه کسی هستم؛ سپس به خود آید و

۱. محمد بن محمد مفید، الارشاد، ص ۲۵۰.

۲. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، ۱۴/۰۳/۱۳۸۵.

۳. همان؛ ۱۴/۰۳/۱۳۸۵.

خویشتن را ملامت کنید و ببینید آیا کشتن من و درهم شکستن حریم من برای شما جایز است؟...»^۱ آیا من فرزند دختر پیامبر شما و فرزند وصی و پسر عموی پیامبر شما و فرزند اول مؤمن به خدا و اول تصدیق کننده آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب خدا آورد نیستم؟ آیا حمزه سیدالشهداء عموی پدرم نیست؟ آیا جعفر طیار شهید ذوالجناحین عموی من نیست؟ آیا بارها این فرموده رسول خدا را در حق من و برادرم نشنیده‌اید که این دو سرور جوانان بهشتند؟ ... اگر باور ندارید از کسانی که می‌دانند پرسید... هیچ کس پاسخ حضرت را نداد.^۲

۲. مواضع روشن

داشتن مواضع روشن و قاطع در برابر دشمنان از مسائل مهم در عرصه سیاسی و روشن کننده تکالیف دوستان و دشمنان است. با نگاهی به تاریخ مشاهده می‌شود امام حسین علیه السلام از مواضع شفاف در برابر دشمنان برخوردار بودند. حضرت در دیدار با ولید بن عتبه والی مدینه و پیشنهاد وی در پذیرش خلافت یزید فرمودند: «ای عتبه، تو می‌دانی که ما اهل بیت کرامت، معدن رسالت و پرچم‌های برافراشته حق هستیم که خداوند عزوجل آن را در دل‌هایمان به امانت گذاشته است و به وسیله آن زبان‌مان را گویا نمود و با اذن الهی سخن می‌گوییم. تو از پیامبر خدا شنیدی که خلافت بر فرزندان ابی سفیان حرام است. چگونه من که از اهل بیت هستم [با یزید]، بیعت نمایم؛ درحالی که پیامبر خدا درباره آنان چنین فرمودند».^۳

امام حسین علیه السلام در مقابل لشکر دشمن می‌ایستد و فریاد می‌کند: «الَا وَانَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هَيْهَاتَ مِمَّا الدَّلَّةُ! يَا بِي اللّٰهُ ذَلِكْ لَنَا وَ رَسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ حُجُوْرٌ طَابَتْ وَ طَهَّرْتُ؛ مردم کوفه، آن ناکس پسر ناکس، امیر شما به من گفته است که از این دو کار یکی را انتخاب کن: یا شمشیر یا تن به ذلت دادن. هیهات که ما زیر بار ذلت برویم؛ خدای من که در راه رضای او قدم برمی‌دارم، راضی نیست و می‌گوید نکن، پیغمبر که وابسته به مکتب او هستم، می‌گوید نکن، آن دامن‌هایی که من در آنها بزرگ شده‌ام، دامن علی که روی زانوی او نشسته‌ام به من می‌گوید تن به ذلت نده».^۴

۱. محمدصادق نجمی، سخنان حسین بن علی علیه السلام از مدینه تا کربلا، ص ۲۲۶.

۲. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۳۵۶-۳۵۷.

۳. عزیزالله عطاردی قوچانی، مسند الإمام الشهيد أبي عبدالله الحسين بن علي عليهما السلام، ج ۱، ص ۲۴۶ و ۲۴۸.

۴. علی بن حسین مسعودی، اثبات الوصية، ص ۱۶۷.

۵. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۴۹ - ۵۰.

مرا عار آید از این بندگی

که سالار باشم کنم زندگی^۱

۳. شجاعت

امام حسین علیه السلام بعد از روشنگری و اتمام حجت، بی دریغ با تمام توان و شجاعت بی نظیر با دشمنانش به مبارزه برخاست و همه مصیبت‌ها را برای انجام وظیفه و رضایت الهی تحمل کرد. یکی از حاضران در صحنه کربلا از شجاعت حضرت می‌گوید: «در شگفت بودم که این چه دلی بود، چه قوت قلبی بود؟ یک آدمی که این چنین دل شکسته باشد که در جلوی چشمش تمام اصحاب و اهل بیت و فرزندان را قلم‌قلم کرده باشند و این چنین قوی‌القلب باشد؛ من که نظیری برایش سراغ ندارم. در روز عاشورا ابا عبد الله نقطه‌ای را به عنوان مرکز انتخاب کرده بود، یعنی وجود مقدس ابا عبد الله ابتدا آنجا می‌ایستاد و بعد حمله می‌کرد. به طور قطع و مسلم و بر طبق همه تواریخ، کسی جرئت نکرد تن به تن با ابا عبد الله بجنگد؛ البته ابتدا چند نفر آمدند و جنگیدند؛ ولی آمدن همان و از بین رفتن همان. پسر سعد فریاد کرد: چه می‌کنید؟ پسر علی است، روح علی در پیکر اوست، شما با چه کسی دارید می‌جنگید؟ با او تن به تن نجنگید. دیگر جنگ تن به تن تمام شد. آن وقت جنگی که از طرف آنها نامردی بود، شروع شد؛ سنگ‌پرانی و تیراندازی. جمعیتی در حدود سی هزار نفر می‌خواهند یک نفر را بکشند. از دور ایستاده‌اند، تیراندازی می‌کنند یا سنگ می‌پرانند. همین‌ها وقتی که ابا عبد الله حمله می‌کرد، درست مثل یک گله روباه که از جلوی شیر فرار می‌کند، فرار می‌کردند».^۲

امام حسین علیه السلام به ما می‌آموزد بعد از شناخت دشمن، اعلان جنگ و حمله او، نباید دچار ترس، شک، سستی و عقب‌نشینی شد.

آینه حق‌نما، حسین است حسین
جان و تن مصطفی، حسین است حسین
مصباح هدایت بشر تا محشر
بی‌شبهه حسین است حسین

جمع‌بندی

انسان در رفتار با دوستان و دشمنان نیازمند الگویی از انسان کامل است.

۱. همان، ص ۱۸۸.

۲. محمدجواد مغنیه، الحسین علیه السلام و بطله کربلاء، ص ۴۷ - ۴۸؛ ترجمه از: مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۱۹۱. برای خودداری از شتاب‌زدگی امام حسین علیه السلام در جنگ با دشمن، ر.ک به: محمد بن محمد مفید، الارشاد، ص ۲۳۴.

امام حسین علیه السلام در جایگاه انسان کامل، الگویی بسیار مناسب در رفتارها هستند. الگوی بیان شده در رفتار با دوستان، خدمت‌رسانی، اهتمام به حق‌الناس، دلداری، غیرت ناموسی و آزادگذاشتن یاران است.

الگوی بیان شده در رفتار با دشمنان، اتمام حجت، مواضع روشن و شجاعت است. بنابراین اگر الگوی رفتاری ما با دوستان و دشمنان، امام حسین علیه السلام باشد، از هرگونه رفتار افراطی و تقریظی جلوگیری می‌کند.

فهرست منابع

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، محقق/ مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، مصحح: هاشم رسولی و محمد حسین آشتیانی، قم: علامه، [بی‌تا].
۳. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، ۱۳۸۱.
۴. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، الإنصاف فی النص علی الأئمة الإثني عشر علیهم السلام، مترجم و مصحح و محقق: سیدهاشم رسولی محلاتی، چ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ق.
۵. جمعی از نویسندگان، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، مترجم: علی مؤیدی، چ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۶. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، تحقیق: مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي، ۱۴۰۸ ق.
۷. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مصحح: هاشم رسولی، چ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران: گستر، ۱۳۷۷.
۹. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: الشریف‌الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ سوم، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. سیدرضی، محمد، نهج البلاغة، قم: مؤسسه نهج البلاغة، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.

١٣. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اربد: دار الکتب الثقافی، ٢٠٠٨ م.
١٤. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تحقیق: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت، ١٤١٧ ق.
١٥. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ١٣٧٥.
١٦. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
١٧. عطاردی قوچانی، عزیزالله، مسند الإمام الشہید أبی عبدالله الحسین بن علی علیه السلام، تهران: عطارد، ١٣٧٦.
١٨. عقاد، عباس محمود، ابوالشهداء الحسین بن علی علیه السلام، محقق: محمد جاسم ساعدی، تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامية، ١٤٢٥ ق.
١٩. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر العیاشی، محقق: هاشم رسولی، تهران: مکتبة العلمیة الاسلامیة، ١٣٨٠ ق.
٢٠. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چ دوم، قم: هجرت، ١٤١٠ ق.
٢١. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق: طیب موسوی جزایری، چ سوم، قم: دار الکتب، ١٣٦٣.
٢٢. کاشانی، فت الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، چ سیزدهم، تهران: کتابفروشی اسلامیه، [بی تا].
٢٣. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، محقق: محمد کاظم، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، ١٤١٠ ق.
٢٤. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، چ سوم، قم: انصاریان، ١٣٨٤.
٢٥. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم: صدرا، ١٣٧٢.
٢٦. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چ نهم، تهران: سپهر، ١٣٧٥.
٢٧. مغنیه، محمدجواد، الحسین علیه السلام و بطله کربلاء، محقق: سامری عزیززی، بیروت: دار الکتب الإسلامی، ١٤٢٦ ق.
٢٨. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، بیروت: منشورات اعلمی للمطبوعات، ١٣٩٩ ق.